



دانشگاه گورگان، دانش کشاورزی و منابع طبیعی گورگان

نشریه کارآفرینی در کشاورزی

جلد ششم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۸

<http://jead.gau.ac.ir>

صفحات: ۲۲-۱

DOI: 10.22069/jead.2021.18585.1434

## توانمندسازی کشاورزان به منظور گذار از کشاورزی سنتی به کشاورزی بازارمحور

مرضیه موسوی<sup>۱</sup>، سعید محمدزاده<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری ترویج کشاورزی پایدار و محیط زیست دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

<sup>۲</sup>استادیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۳

### چکیده

کشاورزی سنتی نه تنها پاسخگوی نیازهای معیشتی بهره‌برداران نیست بلکه با افزایش روزافزون جمعیت و تقاضای فزاینده تولیدات غذایی، دیگر جوابگوی این شرایط نمی‌باشد. به همین دلیل برنامه‌ریزی برای توسعه کشاورزی و امنیت غذایی ضرورت می‌یابد. یکی از راهبردهای اصلی در این زمینه، توسعه کشاورزی از طریق گذار از کشاورزی سنتی به کشاورزی بازارمحور است. بر همین اساس، هدف اصلی این مقاله بررسی راه‌کارهای توانمندسازی کشاورزان به منظور تغییر رویکرد کشاورزی سنتی به کشاورزی بازارمحور است. تحقیق حاضر از نوع مطالعات مروری و به روش مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. این نوشتار ضمن پرداختن به مشکلات کشاورزی سنتی (معیشتی) و تعریف کشاورزی بازارمحور، نقش توانمندسازی کشاورزان در جهت حرکت به سمت کشاورزی بازارمحور را مورد بررسی قرار داده و راهکارهای لازم را نیز تبیین نموده است. مرور ادبیات نشان می‌دهد، توانمندسازی نیروی انسانی، ارتقاء کیفیت محصولات و ایجاد نهادهای تخصصی کسب و کار در بخش کشاورزی از جمله مهمترین پیش‌نیازهای تحقق توسعه کشاورزی و راهبرد کشاورزی بازارمحور است. به‌علاوه، توانمندسازی کشاورزان و ارتقای دانش و کسب مهارت‌های لازم توسط آنها، به کاهش فقر و محرومیت روستایی، کارآفرینی و رفاه روستاییان و تحقق عدالت اجتماعی و توسعه اقتصادی و کشاورزی کمک می‌کند. بنابراین، پیشنهاد می‌گردد با ایجاد فرصت‌های آموزشی موردنیاز، ظرفیت و توانمندی بهره‌برداران برای استفاده از فرصت‌های اقتصادی ارتقاء یابد. به علاوه، با مشارکت کشاورزان و متشکل شدن آنها در قالب تشکل‌های کشاورزی، نه تنها زمینه اشتغال‌زایی و افزایش درآمد کشاورزان فراهم می‌گردد، بلکه از این طریق زمینه توسعه کشاورزی بازارمحور ایجاد خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: توانمندسازی، کشاورزی سنتی، تجاری‌سازی کشاورزی

\*نویسنده مسئول: [s.muhammad@asnrukh.ac.ir](mailto:s.muhammad@asnrukh.ac.ir)

## مقدمه

این واقعیت که بخش کشاورزی به میزان قابل توجهی به کاهش فقر کمک می‌کند چیز جدیدی نیست. رشد بخش کشاورزی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر کاهش فقر روستایی دارد. تأثیر مستقیم رشد این بخش، می‌تواند درآمد روستایی را به دو طریق افزایش دهد: (۱) افزایش مستقیم درآمد خانوارهای کشاورز: افزایش درآمد مزارع به خانوارها این امکان را می‌دهد تا پس‌انداز خود را افزایش دهند و این موارد را می‌توان در طیف وسیعی از بخش‌های اقتصاد سرمایه‌گذاری کرد. (۲) افزایش فرصت‌های شغلی در مزرعه و دستمزد کشاورزی: اثر غیرمستقیم رشد بخش کشاورزی بر کاهش فقر از طریق تأثیر آن بر رشد سایر بخش‌های اقتصاد است (Raj Bista, 2018). از سوی دیگر، ساختار اقتصادی و شغلی در نواحی روستایی مقوله‌هایی از جمله آسیب‌پذیری اقتصاد روستایی و بی‌ثباتی منابع درآمدی، نداشتن امنیت غذایی، پایین بودن سطح کیفیت زندگی و در نهایت ناپایداری را به دنبال دارد. باید توجه داشت که دوام و پایداری هر روستا در گرو پویایی و دوام اقتصاد آن است (مطیعی‌لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۸). همچنین، کارکرد اقتصادی مناطق روستایی از گذشته دور همواره متکی به فعالیت کشاورزی بوده است. استفاده از روش‌های سنتی در کشاورزی سبب کم شدن حجم تولیدات و کارایی منابع می‌شود و علاوه بر آن باعث وابستگی نیز می‌گردد (حسنی‌نژاد، ۱۳۸۹). به موازات گذار از کشاورزی سنتی به کشاورزی بازارمحور بر مشکلات کشاورزان در زمینه عرضه محصول به بازار افزوده می‌شود. با توجه به اینکه مزارع و واحدهای تولیدی غالباً کوچک می‌باشند، میزان محصول عرضه شده به بازار اندک و کشاورز ناچار است که محصول خود را به قیمت پایین به خریداران محلی و یا میدان‌داران بفروشد. همچنین، به

سبب عدم دسترسی به انبار و عدم توانایی مالی مجبورند که همه محصول خود را در زمان برداشت به بازار و یا به واسطه‌ها با قیمت پایین (سلف) عرضه نمایند که این امر نیز موجب کاهش قابل ملاحظه قیمت در زمان برداشت می‌گردد (نجفی و فرج‌زاده، ۱۳۸۹). به علاوه، ساختار فضای روستایی، پیش از این، به واسطه کشاورزی معیشتی و در سطح محلی سازماندهی می‌شد. اما در قرن‌های اخیر به واسطه چالش‌های جهانی شدن و آزادسازی بازار، دگرگونی این ساختار سنتی و تولید محصولات کشاورزی رقابتی در بازارهای محلی، ملی و بین‌المللی ضرورت پیدا کرد. از این رو سیاست‌های کشاورزی، از تولید مازاد مواد غذایی، به سمت کسب حداکثر درآمد و سود تغییر جهت داده و روند تجاری‌شدن کشاورزی و تولید محصولات نقدی مبتنی بر بازار مطرح گردید (رحمانی‌فضلی و همکاران، ۱۳۹۶).

برای حرکت به سمت توسعه کشاورزی بازارمحور نیاز به اقدام هماهنگ و مشترک گروه‌ها و اجتماع‌ها در سطح محلی است و این کار از طریق فرایند توانمندسازی منابع انسانی شاغل در بخش کشاورزی امکان‌پذیر است (Zinnah, 2002). به عبارتی، افزایش و تأمین پایدار مواد غذایی، امنیت غذایی و ارتقاء بهره‌وری کشاورزی مستلزم افزایش کارایی، اصلاح ساختار مدیریتی و بهینه‌سازی کشاورزان از طریق افزایش توانایی تصمیم‌گیری، خلاقیت، ریسک‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، برقراری ارتباط و فردشناسی و به طور کلی توانمندسازی کشاورزان میسر می‌باشد (Ivans, 2010). توانمندسازی کشاورزان به معنی تشویق آنان برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیریهایی است که بر فعالیت آنها موثر است، یعنی اینکه فضایی برای کشاورزان فراهم شود تا بتوانند ایده‌های خوبی را خلق کرده و آنها را به عمل تبدیل کنند (Wallerstein, 2005)

شده، مطالعه رفع چالش‌های موجود را روشن می‌سازد. در این راستا، توانمندسازی کشاورزان از پیش شرط‌های ضروری برای دستیابی به توسعه کشاورزی بوده و نقش‌آفرینی کشاورزان را برجسته می‌سازد. بنابراین، توجه به موضوع ارتقای سطح توانمندی بهره‌برداران کشاورزی از طریق ارتقای سطح آموزش و آگاهی، ارتقای ظرفیت‌ها و توانمندی بهره‌برداران برای مشارکت در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، می‌تواند در میزان دسترسی به منابع و تعیین موقعیت اقتصادی مطلوبتر برای آنها مؤثر واقع شود. بر مبنای چنین ضرورتی، مطالعه حاضر با هدف تحلیل تغییر رویکرد کشاورزی سنتی به کشاورزی بازارمحور و تجاری از طریق توانمندسازی کشاورزان انجام گردید.

### روش تحقیق

مقاله حاضر به صورت مروری و براساس مرور ادبیات داخلی و خارجی انجام شده است. بدین منظور، با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای، علاوه بر بررسی مشکلات کشاورزی سنتی و لزوم تغییر رویکرد به کشاورزی بازارمحور، به اهمیت توانمندسازی کشاورزان در راستای این تغییر پرداخته است.

**چالش‌ها و مشکلات کشاورزی سنتی (معیشتی):** با افزایش جمعیت و نیاز گسترده به غذا، کشاورزی به روش‌های ابتدایی و با عملکرد پایین، پاسخگوی این نیازها نیست (Fielding et al., 2005). کشاورزی سنتی (معیشتی) اولین و ابتدایی‌ترین نظام بهره‌برداری کشاورزی است که هم اکنون در بیشتر کشورهای در حال توسعه رایج است. از خصوصیات بارز این نوع کشاورزی به‌کارگیری شیوه‌های سنتی در تولید می‌باشد. اگر چه این نظام اثرات منفی کمتری در آلودگی محیط زیست دارد، اما به دلیل پراکندگی و

امروزه توانمندسازی زنان مدیریت، به خصوص مدیریت توسعه کشاورزی محسوب می‌شود. رویکرد توانمندسازی به دلیل ارتقاء ظرفیت‌های شناختی، کارایی و اثربخشی کشاورزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در عرصه توسعه کشاورزی با توانمندسازی که مدیریت بهتر را در بخش کشاورزی به همراه دارد، می‌توان به توسعه کشاورزی با افزایش قابلیت‌ها، ظرفیت‌ها و توانمندسازی کشاورزان شتاب بیشتری بخشید (Friis-Hansen, 2005). ظرفیت‌سازی و توانمندسازی برای فعالان و کنشگران در عرصه توسعه روستایی و کشاورزی، یک انتخاب راهبردی است که می‌تواند گذار موفقیت‌آمیز توسعه اقتصادی در بخش کشاورزی را نیز به ارمغان آورد. در واقع، نتیجه ظرفیت‌سازی و توانمندسازی، رسیدن به توسعه کشاورزی و اقتصادی پایدار و توسعه‌محور است (Karl, 2007). همچنین، دستیابی به توسعه اجتماعی - اقتصادی در رابطه با فعالیت کشاورزی، توجه به سه رکن (۱) افزایش توان سیستم‌های کشاورزی و توانمندسازی کشاورزان؛ (۲) افزایش انعطاف‌پذیری و بهره‌وری در طول زمان و (۳) افزایش مهارت‌ها و قدرت تصمیم‌گیری کشاورزان را ضروری کرده است (Demartini et al., 2015). به طور کلی، توانمندسازی کشاورزان در دستیابی به توسعه کشاورزی، از پیش‌نیازهای توسعه به شمار می‌آید. توانمندسازی با آماده ساختن کشاورزان برای کار و حرفه کشاورزی، کمک به افزایش کارایی و بازده تولید، آشنا ساختن کشاورزان با مسائل بازاریابی محصولات تولیدی، حفاظت از خاک و منابع طبیعی، مدیریت موثر و فعال مزرعه و فعالیت‌های کشاورزی، حفاظت از محیط‌زیست و فراهم کردن محیط زیست مطلوب و مشارکت در فعالیت‌های رهبری روستایی، به توسعه کشاورزی شتاب بیشتری می‌بخشد (صادق‌لو و همکاران، ۱۳۹۸). بنابراین، مسائل و مشکلات مطرح

نبود توازن میان رشد جمعیت و زمین زراعی، کمبود یا نبود نیروی کار ماهر، عقب‌ماندگی صنعتی و فناورانه، عدم ورود به بازارهای جهانی، کمبود صنایع تبدیلی و تکمیلی کشاورزی، ضعف در تحقیق و توسعه، مشکلات و آسیب‌های زیست محیطی و تغییرات فرهنگی در محیط‌های روستایی (اکبرزاده و سلیمانی، ۱۳۹۷)؛ تعامل نامطلوب دولت و بخش کشاورزی، کمبود سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، لزوم اصلاح ساختار سیستم‌های آبیاری و نگهداری و نوسازی تجهیزات و عدم استفاده از روش‌های نوین تولیدی (کریم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲)؛ ناپایداری منابع آب زیرزمینی (کمی و کیفی)، تشدید شوری آب‌ها و خاک کشور، افزایش قیمت‌های تمام شده محصولات کشاورزی و از دست دادن مزیت نسبی تولیدات داخلی و پایین بودن بهره‌وری (کشاورز، ۱۳۹۲)؛ عوامل اقتصادی، اجتماعی، زیرساختی و تسهیلاتی، محدودیت آب و منابع، آموزشی ترویجی، فرهنگی، سازمانی مدیریتی، سرمایه‌ای، برنامه‌ریزی، مشارکتی، بازاریابی و فنی - خدماتی (بازیار و احمدوند، ۱۳۹۶ و مرادی و همکاران، ۱۳۹۷) از جمله تنگنایهای فراروی توسعه بخش کشاورزی در کشور هستند که به ویژه نقش بسزایی در توسعه نیافتگی کشاورزی سنتی دارند.

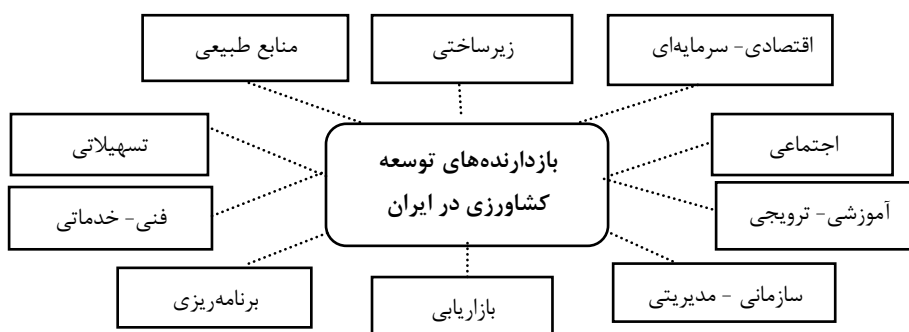
به موازات گذر از کشاورزی سنتی به کشاورزی بازارمحور، بر مشکلات کشاورزان در رابطه با عرضه محصول به بازار افزوده می‌شود (شم‌آبادی و بریم‌نژاد، ۱۳۸۶). عنابستانی و طولابی‌نژاد (۱۳۹۷) معتقدند، استانداردهای محصولات کشاورزی از نظر یکنواختی در کیفیت و کمیت و راهیابی به بازارهای جدید خارجی و افزایش صادرات و ارزآوری مهم است. در ایران چنین چیزی به صورت کارا صورت نمی‌پذیرد و به همین خاطر در برخی مواقع، محصولات کشاورزی فاقد بازارپسندی مناسب

کوچک بودن اراضی و نیز پایین بودن راندمان تولید و استفاده از تکنولوژی‌های قدیمی از یک طرف و رشد روز افزون جمعیت از طرف دیگر و همچنین داشتن اثرات منفی بر اراضی کشاورزی به دلیل شخم در جهت شیب و فقدان توان مالی کشاورزان برای سرمایه‌گذاری در امور زیربنایی، تخریب جنگل‌ها و مراتع به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی بهره‌برداران و دلایل دیگر هزینه‌های زیادی را به بار می‌آورد (حسنی‌نژاد، ۱۳۸۹). همچنین، اندازه کوچک واحدهای کشاورزی، پراکندگی واحدها، تپه و ماهور بودن اراضی، دوری و نزدیکی به منابع آب از مسائل عمده عدم توسعه کشاورزی در نظام‌های تولید سنتی می‌باشند (ازکیا و غفاری، ۱۳۹۲). کوچکی و پراکندگی اراضی نه تنها موجب تولید سنتی محصولات کشاورزی و عدم استفاده بهینه از فن‌آوری و امکانات نوین می‌شود بلکه، یکی از دلایل اصلی پایین بودن سطح بهره‌وری و سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی است (رضایی و قهرمانی، ۱۳۹۲). طی سال‌های گذشته سطح زیرکشت افزایش یافته و با توسعه و گسترش علوم و فناوری‌های نوین همچون؛ مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی، کاشت ارقام پرمحصول گونه‌های زراعی و باغی و استفاده بی‌رویه از کودها و آفت‌کش‌های شیمیایی باعث افزایش کمی تولیدات کشاورزی گردید و مشکل غذا را در بسیاری از کشورها به ویژه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه حل نمود، اما همواره این افزایش تولید با مشکلات زیست محیطی متعددی از جمله تخریب محیط طبیعی روبرو شده است و سلامت مصرف‌کنندگان محصولات کشاورزی به خطر افتاد (پاپزن و شیرینی، ۱۳۹۱؛ کریم و همکاران، ۱۳۹۷؛ Fielding et al., 2005). با بررسی پژوهش‌های انجام شده، کمبود آب یا عدم توازن بارش‌ها، ضعف‌های ساختاری کسب و کارهای فعال در حوزه کشاورزی،

کشاورزی دانسته است. (Nsikak and Kesit, 2015) معتقدند که تغییر آب و هوا، شیوه‌های قدیمی کشاورزی، زیربنای ضعیف بخش کشاورزی و حمایت ضعیف دولت از تحقیقات و توسعه تکنولوژی‌های بخش کشاورزی مانع از افزایش تولید در بخش کشاورزی نیجریه شده است. (Makal et al., 2017) اظهار داشتند که کشاورزی در بنگال غربی با مشکلات زیرساخت‌های کشاورزی و روستایی شامل: آبیاری، خاک، زمین، سرمایه، نیروی کار، نگهداری محصولات کشاورزی، نهاده‌های کشاورزی مدرن، زیست محیطی، تولید، هزینه‌های تولید و نوسان قیمت مواجه است. با بررسی پژوهش‌های انجام شده، در شکل (۱) عمده‌ترین موانع توسعه بخش کشاورزی و به‌ویژه کشاورزی بازارمحور نشان داده شده است.

می‌باشند (پوردربانی، ۱۳۹۵). همچنین، کشاورزی در ایران با چالش‌های دسترسی کمتر به آب، تبدیل زمین‌های کشاورزی برای استفاده غیرزراعی، کمبود زمین کشاورزی، فقدان حمایت دولتی، ناتوانی سازمان‌ها، افزایش شوری آب، تاثیر مسائل سیاسی در تصمیم‌گیری برای کشاورزی، سیستم برنامه‌ریزی نشده استفاده از زمین، عدم وجود زیرساخت‌های تکنولوژیکی پیشرفته، پیامدهای جغرافیایی استراتژیک و شرایط اجتماعی اقتصادی مواجه است (Ahad and Inayatullah, 2013).

Swinnen and Maertens (2007) مسایل و چالش‌های کشورهای در حال توسعه را در عدم تطابق با استانداردهای ایمنی مواد غذایی، محدودیت‌های مالی، فنی، ساختاری و ضعف یا فقدان ظرفیت سازمانی برای کنترل و حمایت از استانداردهای تولید



شکل ۱- بازدارنده‌های توسعه کشاورزی در ایران (مرور ادبیات)

- آلودگی منابع آب بوسیله نهاده‌های شیمیایی مورد استفاده در کشاورزی؛
- به مخاطره افتادن سلامت انسان بر اثر تماس مستقیم کارگران مزارع با سموم شیمیایی؛
- ضعف زیربنای اجتماعی اقتصادی در جوامع روستایی؛
- کاهش تنوع زیستی و فرسایش ژنتیکی؛
- ایجاد مقاومت در امراض و آفات گیاهی؛

- با توجه به مشکلات مطرح شده، به‌طورکلی، آنچه ضرورت ایجاد تغییر در نظام‌های کشاورزی سنتی را توجیه می‌کند، عبارتند از:
- بروز مسائل زیست محیطی بدلیل استفاده از مواد شیمیایی و اثر سوء آنها بر کیفیت مواد غذایی؛
- تخلیه منابع غیر تجدیدشونده مثل نفت و ذخایر سنگ‌های فسفات؛

- کاهش میزان باروری خاک به علت افت مواد آلی و عناصر غذایی آن در اثر فرسایش (حاج سیدهادی، ۱۳۹۳).

امروزه توجه به کشاورزی از خواسته و آرمان به ضرورت تبدیل گشته و استقلال سیاسی با امنیت غذایی و نیازهای اساسی مردم گره خورده است. برای پرداختن به این ضرورت می‌باید در زمینه افزایش بازدهی و بهره‌وری کشاورزی تلاش شود. مطلوب است این تلاش در قالب برنامه‌های اصولی و دورنگر برای توسعه کشاورزی در مسیر فرایند توانمندسازی نیروی انسانی صورت پذیرد (رکن‌الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۸). بنابراین، لازمه این امر تغییر نقش کشاورزان و توسعه مهارت‌ها و توانمندی‌های آنها متناسب با این تغییرات بوده به نحوی که قادر به تولید، بازاریابی و فروش محصولات خویش در عرصه بازارهای رقابتی و مشتری‌مدار کنونی باشد. بنابراین کشاورزان باید قادر به تشخیص فرصت‌های پایدارگرایانه بازار و خلق ارزش‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی به صورت همزمان باشند (مریدالسادات و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۷).

**کشاورزی بازار محور:** رویارویی توسعه پایدار کشاورزی با چالش‌های متعددی نظیر تأمین امنیت و سلامت غذایی، اشتغال، سودآوری و درآمد، توسعه فناوری‌ها و رویه‌های پایدار، توانمندسازی کشاورزان، آزادسازی تجارت، رقابتی شدن بازار و بازاریابی سبز و حفظ منابع طبیعی و محیط زیست، لزوم اتخاذ راهبردی اثربخش برای تحقق این مهم را آشکار می‌سازد. بنابراین، بر ضرورت یک دگرگونی ساختاری در شیوه‌های کنونی تولید کشاورزی در جهت توسعه کشاورزی مبتنی بر بازار در چارچوب کشاورزی رقابتی تأکید می‌شود (مریدالسادات و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۹۷). یک واقعیت

اساسی این است که مردم روستا به غذا، اشتغال، مسکن مناسب، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و سایر کالاها و خدمات عمومی نیاز دارند. این وضعیت نشان می‌دهد که نیاز به برنامه‌ریزی خاصی برای ایجاد تغییرات مطلوب در مناطق روستایی از طریق راهکارهای مختلف وجود دارد. یکی از راهکارها مسئله توسعه کشاورزی از طریق کشاورزی بازارمحور و سایر مزایایی است که می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به همراه داشته باشد (Olawepo, 2012).

کشاورزی بازارمحور به هر شکلی از تولیدات کشاورزی گفته می‌شود که در مقیاس وسیع با هدف اصلی تولید برای بازارهای محلی، منطقه‌ای، ملی یا بین‌المللی باشد. این بدان معنی است که در کشاورزی بازارمحور و تجاری، محصولات به‌طور عمده برای فروش تولید می‌شوند. به عبارت دیگر، کشاورزی بازارمحور را می‌توان به بهترین شکل به هر نوع شیوه کشاورزی اطلاق کرد که زمین‌های بزرگ یا تعداد زیادی از حیوانات، منابع و نهاده‌های زیاد، سرمایه و سطح بالایی از مکانیزاسیون را شامل شود (Olawepo, 2012). کشاورزی بازارمحور مبتنی بر این اصل است که هر نوع تولیدی انجام می‌شود، چه گیاه یا دام، باید براساس آنچه مصرف‌کنندگان تقاضا می‌کنند، باشد. مصرف‌کنندگان ممکن است یا سازمان‌های تجاری مانند کارخانه‌های فرآوری یا مشتریانی باشند که برای خود و خانواده خود غذا خریداری می‌کنند. این به سادگی نشان می‌دهد که کشاورزی همیشه باید با بازاری رقابت کند که قادر و مایل به خرید محصولات خود است و برای موفقیت کشاورز، تولید آنچه تقاضای بازار است و آنچه که بازار را راضی می‌کند، ضروری است. این همان منظور از کشاورزی بازارمحور است، یعنی کشاورزی متناسب با نیاز بازارها و تأمین آن نیازها (Hilmi, 2006).

افراد فراهم شود تا بتوانند ایده‌های خوبی خلق کرده و آنها را به عمل تبدیل کنند (Hatirli et al., 2005). توانمندسازی دارای ارزش ذاتی است و می‌تواند در سطح فردی و جمعی اعمال شود. به معنای وسیع آن، توانمندسازی عبارت است از گسترش آزادی انتخاب و عمل. این به معنای افزایش اختیار و کنترل فرد بر منابع و تصمیماتی است که زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Ginige and Richards, 2012). بنابراین، توانمندسازی را می‌توان شرایطی دانست که در آن افراد فرصت‌های لازم برای رشد را به دست می‌آورند (Wortmann and Kolundzija, 2019). بانک جهانی، چهار عنصر کلیدی توانمندسازی که باید مبنای اصلاحات باشد را به صورت زیر بیان کرده است:

۱- دسترسی به اطلاعات: به معنای داشتن قدرت و برقراری جریان دو سویه اطلاعات است.

۲- فراگیری / مشارکت: رویکرد توانمندسازی برای مشارکت، با مردم فقیر به‌عنوان یک همکار تولید رفتار می‌کند که از اقتدار و اختیار لازم برای کنترل تصمیم‌ها و تخصیص و هدایت منابع به پایین‌ترین سطوح جامعه برخوردار است.

۳- پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری: مقامات دولتی، کارکنان بخش عمومی، تولیدکنندگان خصوصی، کارکنان و سیاستمداران باید پاسخگوی سیاست‌ها و اقداماتی که بر رفاه شهروندان تأثیر می‌گذارند، باشند.

۴- ظرفیت سازمانی محلی: به توانایی مردم برای کار و فعالیت با یکدیگر، خودسازماندهی و بسیج منابع برای حل مشکلات و دستیابی به علائق مشترک، ظرفیت سازمانی محلی گفته می‌شود (بانک جهانی، ۱۳۹۳).

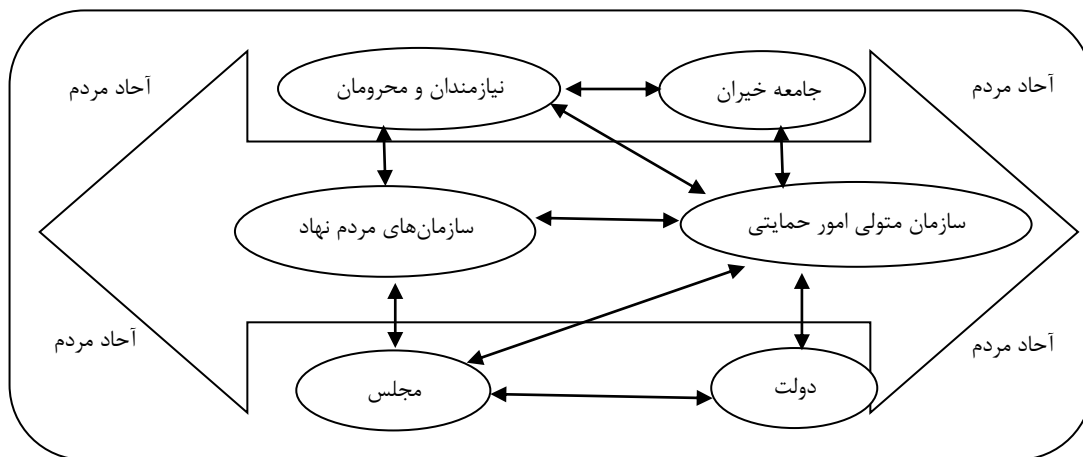
با وجود آنکه مسئله توانمندسازی چند دهه سابقه دارد و بیش از یک دهه است که اندیشمندان حوزه منابع انسانی، تمرکز ویژه‌ای بر این موضوع داشته و ابعاد، اهداف، راهبردها، الگوها، مدل‌ها و سازکارهای

مشارکت برای پیوند کشاورزان خرده‌پا به بازارها به منظور گسترش تقاضا برای محصولات کشاورزی و تعیین فرصت‌های تولید درآمد ضروری است. دلیل افزایش مشارکت در کشاورزی بازارمحور نیز از پتانسیل تسریع در دستیابی به اهداف توسعه هزاره در مورد امنیت غذایی و کاهش فقر از طریق استفاده از فرصت‌های بکر در زنجیره‌های ارزش کالا ناشی می‌شود (Omity et al., 2007). در راستای کشاورزی بازارمحور، کشاورزان باید بدانند که سوال‌های اصلی و اساسی وجود دارد که می‌باید مورد توجه قرار گیرند و این سوال‌ها بخش اصلی مدیریت مزرعه است. سؤال‌ها را می‌توان به پنج نوع تقسیم کرد: ۱) چه چیزی تولید شود؟ ۲) چگونه تولید شود؟ ۳) از چه روشی استفاده شود؟ ۴) چه مقدار تولید شود؟ ۵) برای چه کسی / کسانی تولید شود؟ این تصمیم‌ها هنگام تلاش برای استفاده بهینه از فرصت‌های جدید بازار از اهمیت حیاتی برخوردار می‌شوند. کشاورزان باید در مورد محصولات متنوع و روش‌های مختلف تولید آنها اطلاعات بیشتری داشته باشند. کشاورز باید به بهترین شکل ممکن درباره نحوه سازماندهی، برنامه‌ریزی و مدیریت مزرعه دانش و آگاهی داشته باشد. تأکید بر بازار و نیاز کشاورزان به رقابت، خواستار درک بهتر اقتصاد و مهارت‌های بهتر مدیریت مزرعه است (Hilmi, 2006).

**توانمندسازی و ابعاد آن:** توانمندسازی گاهی به عنوان کسب مهارت‌هایی است که افراد را قادر می‌سازد تا در موقعیت‌های مختلف کنترل بی‌شماری داشته باشند، تعریف می‌شود. از این دیدگاه، توانمندسازی ظرفیت مشارکت و احساس خوداثربخشی در افراد ایجاد می‌کند (Kaldi and Salahshouri, 2012). توانمندسازی به معنی تشویق افراد برای مشارکت بیشتر در تصمیم‌گیری‌هایی است که بر فعالیت آن‌ها مؤثر است. یعنی اینکه فضایی برای

برنامه‌ریزان و دلسوزان جامعه می‌باشد (سواری و اسکندری‌دامنه، ۱۳۹۸). شکل (۲) این تعامل را نشان می‌دهد.

آن را مورد مطالعه و تحقیق قرار داده‌اند. بر این اساس توانمندسازی کشاورزان، مستلزم تعاملات مناسب میان سازمان‌های حمایتی، سازمان‌های مردم‌نهاد،



شکل ۲- الگوی تعاملی میان عوامل مطرح در توانمندسازی کشاورزان (اصغری لقمجانی و همکاران، ۱۳۹۴)

به عقیده (Raj Bista (2018)، توانمندسازی روانشناختی احساس قدرت شخصی است که با اعتماد به نفس در رفتار فرد نمایان می‌شود. Al-Amin et al. (2013) توانمندسازی روانشناختی را به عنوان افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس تعریف می‌کنند که افراد را به عمل ترغیب می‌کند. Onyishi and Agbo (2010) استدلال کردند که توانمندسازی نمی‌تواند صورت گیرد مگر اینکه افراد این باور را داشته باشند که می‌توانند وضعیت خود را تغییر دهند و مایل به انجام فعالیت‌هایی هستند که در جهت بهبود وضعیت آنها باشد. همچنین، Drolet (2010) توانمندسازی روانشناختی را ایفای نقش فعال در ارتباط با شغل و فعالیت‌هایی می‌داند که افراد طی آن به توانایی شکل‌دهی نقش‌ها در بستری می‌رسند که در آن فعالیت می‌کنند. افراد توانمند به بهترین شکل وظایف خود را در شرایط خطرناک انجام می‌دهند.

معمولاً از لحاظ روانشناختی، کشاورزان فقیر و خرده‌پا در شرایط استرس‌زا از عملکرد مناسبی برخوردار نیستند و در صورتی که از برنامه‌های تدوین

اصغری لقمجانی و همکاران (۱۳۹۵) در ارزیابی توانمندسازی توسعه اقتصادی- اجتماعی در نواحی روستایی، توانمندسازی را مشتمل بر فرایند پنج سطحی می‌داند که شامل آموزش با تأکید بر بهبود خوداتکایی ذینفعان، تسهیل‌گری با تأکید بر فراهم‌سازی راهنمایی‌های عمومی و هدایت ذینفعان به سمت شناخت و اولویت بندی مشکلات آنها، حمایت با تأکید بر ایفای نقش حمایتی وابستگان و دست‌اندرکاران دولتی از پیشنهادها توسعه‌ای افراد محلی، آشکارسازی با تأکید بر آگاه‌سازی و روشنگری و ایجاد انگیزه در ذینفعان برای همراهی با دیگر عوامل برنامه و آزادسازی با تأکید بر فرصت‌سازی خود خواسته و رهایی فرد از قیدهای گذشته است. به طور کلی از دیدگاه (Makal et al. (2017)، توانمندی دارای ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، خویشاوندی و روانشناختی است. در ادامه، مهم‌ترین رویکردهای توانمندسازی ارائه شده است.

#### ۱- توانمندسازی روانشناختی



گذاشته شود و براساس شرایطی که می‌خواهند زندگی کنند نه براساس شرایطی که توسط دیگران دیکته می‌شود. احساس استقلال و خودارزشی داشته و در سیاست‌ها مشارکت کنند، خواستار بازگشت عادلانه به کار خود و استفاده کامل از خدمات عمومی مانند بهداشت و آموزش باشند. در این رویکرد، توانمندسازی پدیده‌ای اجتماعی است و بیان می‌شود که دستیابی به توسعه پایدار در بسیاری از خانواده‌ها و جامعه بدون مشارکت فکری و اقتصادی غیرممکن است. بنابراین، توانمندسازی کشاورزان و حمایت از آنان در برابر فشارها، شوک‌ها و آسیب‌های شغلی و اجتماعی ضروری است (Ivens, 2010).

### ۳- توانمندسازی اقتصادی

طبق گفته (Maathai, 2012)، توانمندسازی اقتصادی، توانایی افراد در کنترل معاش خود از طریق ایجاد ظرفیت انتخاب در بنگاه‌های تولیدی است که مایلند در آن مشغول به کار شوند. همچنین، Stacki and Monkman (2003) توانمندسازی اقتصادی را توانایی یک فرد در به دست آوردن و کنترل منابع اقتصادی تعریف کردند. توانمندسازی اقتصادی در تلاش است تا اطمینان حاصل کند که یک فرد از توانایی‌ها، مهارت‌ها و منابع مناسب و دسترسی به درآمد پایدار برای زندگی خود برخوردار است. همچنین، Abraham (2011) معتقد است کشاورزان در زمینه‌های توسعه اقتصادی و رشد مانند ریشه‌کن کردن فقر، تحول اجتماعی و ابعاد توانمندسازی از جمله تمایل به رهبری، اعتماد به نفس، ایجاد اشتغال، افزایش درآمد و قدرت تصمیم‌گیری نیز باید نقش داشته باشند. توانمندسازی اقتصادی فرآیندی از پایین به بالا است که طی آن، کشاورزان فقیر با افزایش قابلیت‌های اقتصادی می‌توانند به نیازهای خود پاسخ دهند و به حقوق و قدرت برابر دست یابند (Boley et al., 2015). توانمندسازی اقتصادی در مورد توانایی

شده برای بهبود کیفیت زندگی خود اطلاع نداشته باشند، آنها را به عنوان یک برنامه بیرونی شناسایی می‌کنند و باور به بهبود زندگی در بین آنان بسیار کم می‌شود (سواری و اسکندری‌دامنه، ۱۳۹۸). توانمندسازی موضوعی چندوجهی است و آن را به‌عنوان انگیزش درونی وظایف محوله به مردم تعریف کرده‌اند که در یک مجموعه از ویژگی‌های شناختی زیر متجلی می‌شود:

۱- موثر بودن: فرد باید به این باور برسد که در انجام وظایفش می‌تواند نقش مهمی در جهت اهداف تعیین شده ایفا کند.

۲- شایستگی: اگر وظیفه به گونه‌ای باشد که فرد بتواند با مهارت، فعالیت‌های موظف خود را به انجام رساند، بر احساس او از کفایت خود، تأثیری مثبت به جای خواهد گذاشت.

۳- معناداری: اگر فرد وظیفه‌ای را که انجام می‌دهد با ارزش تلقی کند، آن وظیفه دارای ویژگی‌های معناداری است.

۴- حق انتخاب: این وظیفه به آزادی عمل افراد در تعیین فعالیت‌های لازم برای انجام وظایف خود اشاره دارد (سعیدی‌رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲).

### ۲- توانمندسازی اجتماعی

(Maathai, 2012) اظهار داشت، توانمندسازی اجتماعی در مورد برداشتن گام‌هایی برای تغییر جامعه است تا جایی که شخص خود در آن جامعه مورد احترام واقع شود و با شرایطی که خود می‌خواهد زندگی کند، نه با شرایطی که توسط دیگران دیکته شود. Khan (2012) استدلال کرد که توانمندسازی اجتماعی شامل فرایند فعالیت فردی و جمعی برای تغییر روابط اجتماعی موجود و گفتمان‌ها و نهادهایی است که روابط اجتماعی را ایجاد می‌کنند. به علاوه، طبق اظهار نظر (Pettit, 2012)، توانمندسازی اجتماعی در مورد تغییر جامعه است، به جایگاه افراد احترام

افراد برای مشارکت و بهره‌مندی از فعالیت‌های اقتصادی در شرایطی است که ارزش همکاری آنها را بشناسند، به شأن و منزلت آنها احترام بگذارند (Pettit, 2012). در این راستا، Dust et al. (2018) معتقدند که لازمه توانمندسازی اقتصادی در میان کشاورزان در شرایط مخاطرات، آموزش و ظرفیت‌سازی است. آموزش و ظرفیت‌سازی به افزایش بهره‌وری و توان کسب درآمد کمک می‌کند.

#### ۴- توانمندسازی سیاسی و قانونی

به دلیل وجود فشارهای اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، این کشورها برای ایفای نقش جوامع روستایی و کشاورزی در هرم قدرت و اجازه فعالیت و مشارکت به آنان در مسائل مهم زندگی همواره با چالش‌هایی مواجه هستند. برای رفع این مشکل، توانمندسازی سیاسی و قانونی مطرح شد (Strzelecka et al., 2017). توانمندی سیاسی در توانایی افراد در انتخاب سیاسی و آزادی عمل آنها منعکس می‌شود. همچنین، شامل ظرفیت افراد در تجزیه و تحلیل محیط سیاسی اجتماعی خود و سازماندهی و بسیج جمعی برای تغییرات اجتماعی است (Raj Bista, 2018). توانمندسازی سیاسی، نمایندگی عادلانه گروه‌های مستثنی در ساختار تصمیم‌گیری و تقویت صدای آنها است، به طوری که آنها می‌توانند در تصمیم‌گیری‌های مربوط به زندگی و اجتماعات خود نقش داشته باشند (Eyben et al., 2008). با توانمندسازی سیاسی و قانونی انتقال قدرت به دولت محلی که بخشی از دموکراتیک کردن و دستور کار حکمروایی است، فرصتی برای بیان منافع گروه‌های مستقل از فعالیت‌های سیاسی حزبی و دولتی فراهم می‌گردد (سواری و اسکندری‌دامنه، ۱۳۹۸). توانمندسازی سیاسی یکی دیگر از جنبه‌های مهم توانمندسازی در برنامه‌ریزی و توسعه کشاورزی است. با توانمندی سیاسی، دانش و اطلاعات و به‌طور

خاص آگاهی ساکنین از فرصت‌های موجود افزایش می‌یابد و به این ترتیب، با مشارکت افراد در هدف‌گذاری طرح‌های توسعه کشاورزی، ضمن آگاهی از اهداف آنها، به مجریان طرح‌های توسعه کشاورزی کمک می‌شود (Azami et al., 2011).

#### ۵- توانمندسازی بین فردی

توانمندی بین فردی را به عنوان تقویت تعادل و آرامش جامعه توصیف می‌کنند که در نتیجه آن، ارتباطات ساکنین با همدیگر بیشتر می‌شود و با یکدیگر شروع به همکاری می‌کنند (OECD, 2009). این نوع توانمندسازی روندی منحصر به فرد برای به دست گرفتن حق و حقوق فردی، کنترل و مسئولیت زندگی و موقعیت فردی، روندی سیاسی برای اعطای حقوق بشر و عدالت اجتماعی، اتخاذ تصمیم‌های راهبردی در زندگی، کاهش وابستگی و افزایش اقتدار شخصی می‌شود (پاریاب و همکاران، ۱۳۹۳).

**نقش و اهمیت توانمندسازی در توسعه کشاورزی بازارمحور:** افزایش و تأمین پایدار مواد غذایی، امنیت غذایی و ارتقاء بهره‌وری کشاورزی مستلزم افزایش کارایی، اصلاح ساختار مدیریتی و بهینه‌سازی و بازآفرینی کشاورزان با افزایش توانایی تصمیم‌گیری، خلاقیت، ریسک‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، برقراری ارتباط و فردشناسی و به طور کلی توانمندسازی کشاورزان میسر می‌باشد که آن هم به تغییرات اساسی در دانش، مهارت و تغییرات رفتاری در کشاورزان نیاز دارد (Hatirli et al., 2005).

در ادبیات و متون توسعه، هدف اصلی توانمندسازی روستاییان و بهره‌برداران کشاورزی، توسعه و گسترش فعالیت‌های کشاورزی، صنایع تبدیلی کشاورزی، فرآوری محصولات کشاورزی و مدیریت آن است. به نحوی که منافع اجتماعی اقتصادی حاصل از آن برای مردم محلی باشد و باعث ارتقاء سطح توسعه کشاورزی شود. از سوی دیگر،

آموزش‌های مهارتی سازمان کشاورزان، روش‌های مناسب، عضویت در یک سازمان، اعتبارات خرد، تحصیلات، اعتماد به نفس افراد، دسترسی به منابع، حمایت سیاسی از جمله عوامل موثر در توانمندسازی کشاورزان محسوب می‌شوند (Hassan et al., 2016). همچنین، توانمندسازی، با ایجاد تغییر در دانش، نگرش و عواطف و در نحوه انجام فعالیت‌ها، مهارت‌ها، تغییرات و ارزش‌ها، و درک و فهم کشاورزان، به توسعه کشاورزی و حرکت به سمت کشاورزی بازارمحور منجر خواهد شد (صادق‌لو و همکاران، ۱۳۹۸). در این راستا، حیدری ساریان (۱۳۹۱) توانمندسازی کشاورزان را به دلایل زیر مهم می‌داند:

- ۱- فقرزدایی: توانمندسازی به کاهش فقر و محرومیت در مناطق روستایی کمک می‌کند، زیرا با توانمند شدن روستاییان و کشاورزان، زمینه کارآفرینی، ایجاد اشتغال و در نتیجه آن ایجاد درآمد، انباشت سرمایه، مصرف و سرمایه‌گذاری بیشتر فراهم می‌شود. در نهایت، فقرزدایی به توسعه کشاورزی کمک می‌کند.
- ۲- توانمندسازی به کارآفرینی منجر می‌شود. بر این اساس، کشاورزان نیروی کار و منابعی هستند که در توسعه اقتصادی می‌توانند به کار گرفته شوند و کشاورزان و روستاییان نقش تولیدکنندگی خودشان را پس از فرآیند توانمندسازی بهتر ایفا می‌کنند.
- ۳- توانمندسازی باعث بهبود رفاه روستاییان می‌شود. مشکل اصلی روستاییان عدم خوداتکایی و وابستگی اقتصادی آنان است. برای توانمندسازی روستاییان، افزایش فرصت‌های شغلی و تولید درآمد از طریق دسترسی آنان به منابع تولیدی ضروری است.
- ۴- توانمندسازی به تحقق عدالت در مناطق روستایی کمک می‌کند. وقتی عدالت در مناطق روستایی محقق شود، این امر سبب می‌شود تا روستاییان به فرصت‌های مساوی در کلیه بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی

توانمندسازی ویژگی‌هایی مانند آموزش و آگاهی بخشی، دانش و مهارت، دسترسی به منابع و تسهیلات، شکل‌سازی و مشارکت بهره‌برداران نه تنها باعث تحول و توسعه عملکرد و ساختار کشاورزی در سطح مناطق و نواحی می‌شود، بلکه به بهبود سطح توسعه کشاورزی منجر خواهد شد (شفیعی ثابت و فرهادی، ۱۳۹۸). توانمندسازی فرایندی است که طی آن افراد، برای غلبه بر موانع پیشرفت، تغییراتی در ساختار ذهنی خود به وجود می‌آورند که باعث تسلط آنها در تعیین سرنوشت خود می‌شود. کشاورز توانمند نگرشی مثبت به کارها دارد، ریسک‌پذیر و انعطاف‌پذیر است، کار گروهی را به کار فردی ترجیح می‌دهد و همیشه در حال یادگیری است. توانمندسازی، موجب می‌شود تا کشاورزان احساس مسئولیت و تعهد در مسائل مختلف کشاورزی و حضور مؤثر در کارها داشته باشند. در نتیجه، فرایند توانمندسازی به توسعه منابع انسانی، نهادی و سازمانی و در مجموع به توسعه کشاورزی منجر می‌شود (Amundsen and Martinsen, 2015). توانمندسازی افراد را قادر می‌سازد تا بر روند تصمیم‌گیری تأثیر بگذارند و اقدامات تحول‌آفرینی را انجام دهند، که به آنها در بهبود معیشت خود کمک می‌کند (Friis- Hansen, 2005).

توانمندسازی از طریق ارتقاء مهارت‌های مدیریتی کشاورزان، ارتقاء قدرت چانه‌زنی کشاورزان برای کسب امتیازات و دستیابی به حقوق خودشان، افزایش بهره‌وری کار، بهبود کیفیت زندگی کشاورزان، افزایش اطلاعات اقتصادی کشاورزان، کمک به افزایش کارایی و بازده تولید، حفاظت از خاک و منابع طبیعی، مدیریت موثر و فعال مزرعه و فعالیت‌های کشاورزی و غیره به توسعه کشاورزی شتاب بیشتری می‌بخشد (حیدری ساریان و رکن‌الدین‌افتخاری، ۱۳۹۵). دانش و یا

و سیاسی دست پیدا کنند و متعاقب آن زمینه برای دستیابی به عدالت اجتماعی مهیا شود.

۵- توانمندسازی به توسعه اقتصادی در مناطق روستایی کمک می‌کند. روستاییان با تحلیل انتقادی از زندگی خود و جامعه، ارتقای آگاهی‌ها و کسب مهارت‌های لازم برای انتخاب، سازماندهی، جهت‌دهی تغییرات اجتماعی-فرهنگی، خود را توانمند می‌سازند. از دیدگاه بانک جهانی، افزایش قابلیت کشاورزان برای ارتقای توانایی و گسترش دامنه انتخاب آنها در بهبود کسب و کار، مستلزم ایجاد فرصت‌های جدیدی در زمینه‌هایی مانند افزایش فرصت مشارکت، آموزش و افزایش میزان مهارت است. همچنین، برای دستیابی به نتایج مطلوب لازم است که فرصت‌های مشارکت توسط نهادهای محلی فراهم گردد و با ایجاد فرصت‌های آموزشی موردنیاز، توانمندی افراد برای استفاده از فرصت‌های اقتصادی ارتقاء یابد (World Bank, 2005). در ادامه برخی راهکارهای لازم جهت ظرفیت‌سازی و توانمندی کشاورزان به منظور حرکت به سمت کشاورزی تجاری و بازارمحور تشریح شده است.

#### ۱- آموزش و توسعه ظرفیت شناختی

در دنیای کنونی هر کشوری که از دانش بیشتر و به روز برای توانمندسازی بهره‌مند باشد، به مواهب بیشتری از توسعه نیز دست می‌یابد، در بخش کشاورزی دانش و اطلاعات همانند زمین، سرمایه و نیروی کار از عوامل مهم تولید به شمار می‌آیند و توانمندسازی نقش موثری در توسعه کشاورزی ایفا می‌کند. در این زمینه آموزش رکن اساسی توانمندسازی قلمداد می‌شود (Kukenberger and Mathieu, 2009). به عبارتی، هزینه توانمندسازی کشاورزان، در آموزش شایسته کشاورزان و کنشگران درگیر در بخش کشاورزی نهفته است (Karl, 2009). زیرا افراد را قادر می‌سازد تا تغییرات جدید را بپذیرند

و خودشان نیز دست به تغییرات بزنند (Hassan et al., 2014). از سوی دیگر، توانمندسازی و ارتقاء ظرفیت کشاورزان از پیش شرط‌های ضروری برای دستیابی به توسعه کشاورزی بوده و نقش‌آفرینی مردم روستایی را به تصویر می‌کشد. از این منظر از عوامل مؤثر در توانمندسازی کشاورزان استفاده از شیوه‌ها و روش‌های ترویجی و اطلاع‌رسانی روستایی به منظور ارتقاء سطح آگاهی‌های روستاییان امری ضروری است. بنابراین، فردی که به نیروی دانش، قدرت، علم و آگاهی دست باید توانایی انجام کارهایی را دارد که از منظر دیگران معجزه تلقی می‌شود. به عبارتی انسانی تواناست که قدرت دانایی را کسب کرده باشد (حیدری-ساریان، ۱۳۹۲). به‌زعم Friis -Hansen (2005)، دانش و سازمان مهمترین جنبه‌های توانمندسازی کشاورزان است. توانمندسازی از طریق دانش، کشاورزان را قادر می‌سازد تا علل و نتایج مشکلات کشاورزی خود را بشناسند و نیازهای فناوری و توسعه خود را به عنوان خواسته‌های آگاهانه بیان کنند. توانمندسازی از طریق دانش به کشاورزان اجازه می‌دهد تا به طور فعال در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی خدمات مشارکت داشته باشند.

با آموزش و اطلاع‌رسانی به کشاورزان، دانش و شناخت آنها روزافزون می‌گردد و متعاقب آن در استفاده معقول و منطقی از زمین و دیگر نهادهای تولید در مسیر بالا بردن بازده در واحد سطح و نیل به توسعه کشاورزی موفق‌تر عمل می‌کنند (Rivera, 2009). شایان ذکر است کشاورزان با توسعه مهارت، دانش و نگرش، نقش فعالی در توسعه کشاورزی ایفا می‌کنند و با چالش‌های فراروی توسعه کشاورزی به درستی مقابله می‌کنند و رفع این چالش‌ها مستقیماً روی زندگی آنها تأثیر مثبت می‌گذارد. از دیگر عوامل مهم در توانمندسازی کشاورزان به منظور بالا بردن بازده در واحد سطح و رقابت در بازار، داشتن دانش و

خود دخالت و تصمیم‌گیری و مشارکت نموده و احساس کنند در منافع حاصل از توسعه نقش دارند. این اقدام نیازمند گذار و تغییر مدیریت از بالا به پایین به مدیریت پایین به بالاست و اندیشه مردم محور و مشارکت محلی را می‌طلبد و باعث افزایش مشارکت و توانمندسازی کشاورزان شده و شیوه‌های توسعه کشاورزی را عمق می‌بخشد (هادیزاده بزاز و بوزرجمهری، ۱۳۹۵).

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که به موازات توسعه اقتصادی و افزایش درآمد، مصرف‌کنندگان خواهان محصولات مرغوبتر و آماده‌تر بوده و به بیان دیگر تقاضای مصرف‌کنندگان برای انجام خدمات بیشتر بر روی محصول بیشتر شده و آنان آمادگی دارند که در برابر انجام خدمات، هزینه آن را نیز پردازند. این شرایط زمینه لازم برای انجام خدماتی مانند درجه‌بندی، بسته‌بندی و تبدیل محصولات کشاورزی را فراهم می‌سازد. همگام با گسترش خدمات بازاریابی، سهم تولیدکننده از قیمت مصرف‌کننده با کاهش بیشتری مواجه گردیده و عوامل بازاریابی سهم بیشتری از منافع را نصیب خود می‌سازند. این جریان سبب شده است که در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شرکت‌های تعاونی روستایی و کشاورزی با تنوع بخشیدن به فعالیت‌های خود وارد عرصه عملیات بازاریابی شوند و از این طریق موجبات افزایش درآمد اعضای خود یعنی همان تولیدکنندگان محصولات کشاورزی را فراهم سازند (نجفی و فرج‌زاده، ۱۳۸۹).  
تعاونی‌های کشاورزی می‌توانند با تدوین سازکارهای لازم برای نیل به خودکفایی و خوداتکایی، در محصولات غذایی اساسی و تامین غذای مردم نقش مؤثری ایفا نمایند. در میان انواع تعاونی‌های تولیدی، تعاونی‌های کشاورزی که گردانندگان واحدهای کشاورزی اعضای آن را تشکیل می‌دهند، موفقترین

توان مدیریت و هماهنگی و مشارکت با دیگر فعالان است و باید این دانش و توانایی‌ها را با آموزش افزایش داد (صادقلو و همکاران، ۱۳۹۸). آگاه‌سازی کشاورزان، موجب افزایش شناخت آنها از مسائل گوناگون و در نتیجه توانمندسازی آنها می‌شود. این مقوله باعث می‌شود تا کشاورزان با استفاده بهینه از زمین و دیگر نهاده‌های تولید در مسیر افزایش کمی و کیفی محصولات برای نیل به توسعه اجتماعی و اقتصادی موفقتر عمل کنند. در این ارتباط، همان‌گونه که کشاورزان و بهره‌برداران از پذیرش روش‌های نوین استقبال می‌کنند، به تبع آن افکارشان نیز متحول می‌گردد و در نتیجه نگرش جدیدی در آنها نسبت به فعالیت‌های کشاورزی و سایر فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی ایجاد می‌شود و با ارتقای ظرفیت‌های شناختی (آگاهی و دانش) خود، موجبات توسعه کشاورزی را فراهم می‌سازند (Sharma and Sahoo, 2014). بنابراین، با تشخیص نیازهای اصلی آموزشی، می‌توان قابلیت‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌های لازم را در کشاورزان ایجاد کرد تا بتوانند به نحو کاراتر، فعالیت‌های کشاورزی را در واحدهای تولیدی خود عملیاتی و تجاری‌سازی نمایند.

## ۲- نهادگرایی و شکل‌سازی

توانمندی سازمانی کشاورزان زمانی تحقق می‌یابد که کشاورزان در گروه‌هایی منسجم، مستقل و پایدار سازماندهی شوند. این گروه‌ها می‌توانند کشاورزان را قادر به بیان خواسته‌های آگاهانه خود و تعامل با نهادهای دولتی و بخش خصوصی کنند. آنها همچنین مبنای پیوستن به سازمان‌های سطح بالاتر کشاورزان هستند که می‌توانند منافع آنها را در سطح دولت محلی و سیاست‌های ملی نمایندگی کنند (Friis- Hansen, 2005). در این چارچوب لازم است کشاورزان از طریق نهادها و سازمان‌های مردمی در امور کشاورزی

نوع تعاونی، با توجه به سهم آنها در بازار، محسوب می‌شوند (امینی و رضانی، ۱۳۸۵). این تعاونی‌ها در باز توزیع منافع حاصل از رشد بخش کشاورزی، ایجاد اشتغال پویا و مولد، توسعه مشارکت مردمی در بخش کشاورزی، پایین آمدن ریسک سرمایه‌گذاری در این بخش، کاهش هزینه‌های دولتی در تولید، و ... نقش مؤثر و منحصر به فردی ایفا می‌نمایند (یعقوبی فرانی و معتقد، ۱۳۹۸). بنابراین، با در نظر گرفتن این نکته که در بخش کشاورزی کشور ما بخش عظیمی از واحدهای بهره‌برداری موجود را نظام خرده‌دهقانی تشکیل می‌دهند و همچنین با توجه به ضعف عملکرد نظام خرده‌دهقانی در ایجاد تحرک و پویایی در بخش کشاورزی، بخش تعاون و به خصوص تعاونی‌های تولید کشاورزی را می‌توان ابزار و راهکار مناسبی به منظور توانمندسازی بهره‌برداران در راستای ایجاد اشتغال مولد، دریافت اعتبارات و تسهیلات، توسعه کشاورزی و روستایی و در نهایت حرکت به سوی کشاورزی بازارمحور قلمداد نمود. در این راستا، با تشکیل و تقویت این شکل‌ها و نهادهای مشابه، زمینه‌ها و بسترهای لازم توسعه و تقویت اجتماعات محلی و مشارکت کامل و مستقیم کشاورزان در کشاورزی و در نتیجه توانمندی اقتصادی تسهیل می‌شود.

### ۳- مشارکت

مشارکت به عنوان فرایند دخالت کردن مردم به منظور تأثیرگذاری آن‌ها بر نتایج و دستاوردهای طرح‌ها و برنامه‌های مختلف در نظر گرفته شده است (CIS, 2003). که به طور معمول در سه سطح مشارکت در تدوین و طراحی برنامه‌ها، مشارکت در اجرا و پیاده‌سازی برنامه‌ها و در نهایت مشارکت در ارزشیابی و بررسی نتایج و پیامدهای حاصل از اجرای کل برنامه یا طرح خاص مورد توجه قرار می‌گیرد (Stefano, 2010). بنیادی‌ترین اندیشه زیرساخت

مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، همفکری، همکاری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کمیت و کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است (رحمانی و رحمانی، ۱۳۹۵). مشارکت، فرآیند درگیری در موقعیت‌های گروهی داوطلبانه سازمان‌های غیردولتی و اجتماع‌محور و مردم محلی در برنامه‌ریزی یا تصمیم‌گیری برای اموری است که بر معیشت یا محیط آنان تأثیر می‌گذارد و آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی با پذیرش مسئولیت، یکدیگر را یاری دهند (Maurel et al., 2007).

مشارکت فرآیندی است که مردم روستایی جهت توانمند شدن، سازماندهی می‌شوند و توانایی تشخیص نیازهایشان را پیدا خواهند کرد (Chowdhury, 2004). مشارکت دادن جوامع محلی در فرآیند تصمیم‌گیری به عنوان یک راهکار مدیریتی می‌تواند سبب افزایش پذیرش و توانمندسازی اجتماعی و ساده شدن اجرای سیاست‌ها گردد (Maier et al., 2014). به علاوه، کارآمدترین مکانیسمی که می‌تواند در ایجاد آگاهی و یادگیری مبانی اقتصاد بازار مؤثر واقع شود رهیافت مشارکت می‌باشد. زیرا مشارکت با ایجاد فضای گفت‌وگو بین کشاورزان، بازار و مصرف‌کنندگان، دانش و آگاهی آنها را درباره مقادیر موجود برای خرید و فروش و دیگر عوامل مؤثر بر عرضه محصولات افزایش می‌دهد (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲). مشارکت و مدیریت آن به دلیل فراهم آوردن فرصت‌هایی برای تشریک مساعی کشاورزان در تصمیم‌ها و امور کاربری منابع، سبب حصول برقراری دموکراسی می‌شود (Ozerlo and Newig, 2008). البته ذکر این نکته ضروری است که مفهوم مشارکت افراد تنها در بعد اجتماعی و گرفتن اطلاعات نیست، بلکه مشارکت باید به مفهوم واقعی کلمه در تمامی ابعاد و جنبه‌های یک مسأله و به

ضرورت دارد. امروزه توسعه کشاورزی تابعی از توانمندسازی کشاورزان است، زیرا تغییر و تکامل دانش، مهارت و نگرش کشاورزان به توسعه کشاورزی منجر می‌شود. در این ارتباط، همان‌گونه که کشاورزان و بهره‌برداران از پذیرش روش‌های نوین استقبال می‌کنند، به تبع آن افکارشان نیز متحول می‌گردد، در نتیجه نگرش جدیدی در آنها نسبت به فعالیت‌های کشاورزی و سایر فعالیت‌های اقتصادی در مناطق روستایی ایجاد می‌شود و با ارتقای ظرفیت‌های شناختی (آگاهی و دانش) خود، موجبات توسعه کشاورزی را فراهم می‌سازند. همچنین، مشارکت کشاورزان در فعالیت‌های مختلف در راستای توسعه کشاورزی و گام برداشتن تجاری‌سازی کشاورزی نقش مؤثری دارد. کشاورزان باید در زمینه‌های مختلف توانمند شوند تا از این طریق بتوانند نقش خود را در جامعه ایفا کنند. یکی از راهکارهای مناسب در جهت بکارگیری مشارکت کشاورزان، تولیدکنندگان و صادرکنندگان محصولات کشاورزی، ایجاد تشکلهای و تعاونی‌ها و ساماندهی کشاورزان در این راستا است که امکان یکپارچه کردن منابع انسانی و ایجاد اشتغال و درآمد و همچنین توانمندسازی را در ابعاد مختلف فراهم می‌کنند. به طور کلی به منظور شکل‌گیری مهارت‌های ادراکی و شناختی در بین کشاورزان و ایجاد بسترهای لازم جهت آموزش و یادگیری آنان و تقویت توانمندی اقتصادی کشاورزان، توجه به رهیافت مشارکت عنوان ابزاری آموزشی با هدف افزایش اطلاعات، دانش و مهارت در کشاورزان لازم می‌باشد. بنابراین، با توجه به عوامل و موانع توسعه کشاورزی و به ویژه کشاورزی بازارمحور و ابعاد مختلف توانمندسازی، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- با استفاده از برنامه‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی به شناسایی نیازها و فرصت‌های کشاورزان پرداخته

صورت یکپارچه و همه‌جانبه صورت گیرد تا تأثیرگذار باشد (عنابستانی، ۱۳۹۳). تجارب موجود در بخش کشاورزی نشان می‌دهد که شرط برقراری مشارکت در بین کشاورزان وجود یک سازمان و یا تشکلی می‌باشد. در همین راستا زمینه‌سازی ایجاد تشکلهای کشاورزی، توانمندسازی جهت ایجاد خودباوری و تقویت روحیه مشارکتی کشاورزان و ظرفیت‌سازی به منظور حضور در تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی از مواردی است که می‌باید مورد توجه جدی قرار گیرد (سروستانی و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین، توجه به رهیافت مشارکت در عملیاتی کردن توانمندسازی اقتصادی کشاورزان ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مشارکت با فراهم‌سازی بسترهای آموزشی و یادگیری لازم، نقش مهمی در انتقال اطلاعات و باروری قدرت تصمیم‌گیری در کشاورزان دارد و می‌تواند در بهره‌برداری مطلوب از منابع و امکانات موثر واقع شود. توجه به این رهیافت جهت خروج اقتصاد کشاورزی از وضعیت معیشتی اجتناب‌ناپذیر است (عنابستانی و همکاران، ۱۳۹۲).

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در دهه‌های اخیر افزایش جمعیت و رشد مصرف، اهمیت کشاورزی را بالا برده و باعث شده تا کشورها برای تأمین امنیت غذایی خود، برنامه‌ریزی در حوزه اشتغال و کسب درآمد و رونق اقتصادی به فکر استفاده از فناوری در بخش کشاورزی باشند که موجب می‌شود تا بهره‌وری در این بخش ارتقا پیدا کرده و تولید محصولات به شکل تجاری افزایش پیدا کند. از سوی دیگر، کشاورزی با امنیت غذایی گره خورده و یک حوزه اساسی و بسیار مهم است. بنابراین برای پیشبرد این حوزه و پیشرفت در آن، ظرفیت‌سازی و از جمله توانمندسازی کشاورزان

خانوارهای روستایی مورد: مددجویان تحت پوشش کمیته امداد در سیستان. اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۵(۱): ۱۲۴-۱۰۳.

۴. امینی، ا. و رضانی، م. ۱۳۸۵. بررسی عوامل موثر در موفقیت شرکت‌های تعاونی کشاورزی مرغداران گوشتی استان اصفهان. مجله علوم و فنون کشاورزی، ۱۰(۱): ۱۲۱-۱۳۵.

۵. بازیار، ا. و احمدوند، م. ۱۳۹۶. تبیین بازدارنده‌های توسعه کشاورزی در روستاهای شهرستان رستم. فصلنامه پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۰(۱): ۶۵-۷۶.

۶. بانک جهانی. ۱۳۹۳. توانمندسازی و کاهش فقر. مترجمان: فرزام پوراصغر سناگچین و جواد رضانی. انتشارات وزرات تعاون، کار و رفاه اجتماعی.

۷. پاپ زن، ع.ح. و شیرینی، ن. ا. ۱۳۹۱. بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۱(۱): ۱۱۳-۱۲۶.

۸. پاریاب، ج. زمانی‌میان‌دشتی، ن. پزشکی‌راد، غ.ر. و جمالی، ح. ۱۳۹۳. نقش تعاونی‌های تولیدی در توانمندسازی زنان روستایی استان فارس مطالعه موردی: تعاونی روستایی زنان همایجان سپیدان. پژوهش‌های روستایی، ۵(۱): ۴۵-۷۰.

۹. پوردربانی، ر. ۱۳۹۵. بررسی نقش درجه‌بندی و بسته‌بندی در بهبود بازاریابی و صادرات خرما ایران. فصلنامه علمی علوم و فنون بسته‌بندی، ۷(۲۸): ۴۲-۵۳.

۱۰. حاج سیدهادی، م.ر. ۱۳۹۰. مبانی کشاورزی پایدار. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، دانشکده کشاورزی، گروه زراعت.

۱۱. حسینی‌نژاد، آ. ۱۳۸۹. توسعه کشاورزی با تأکید بر گذار از کشاورزی سنتی به کشاورزی پایدار در شهرستان زرین دشت. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه اصفهان، گروه جغرافیا.

۱۲. حیدری‌ساربان، و. ۱۳۹۱. توانمندسازی گامی اساسی در جهت نیل به توسعه روستایی مطالعه موردی:

شود و از طریق برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی به افزایش آگاهی و توانایی‌های آنان (توانمندی شناختی) اقدام گردد.

- نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تعاونی‌های تولید در افزایش توانمندی اقتصادی کشاورزان نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. در این راستا، ضروری است دولت با حمایت‌های مالی و تخصصی از تعاونی‌های تولید، زمینه توانمندی اقتصادی کشاورزان عضو را فراهم نماید.

- از طریق افزایش تسهیلات مالی و ایجاد صندوق‌های حمایت از تعاونی‌های کشاورزان و تولیدکنندگان و فراهم نمودن فرصت ارائه محصولات در نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های محلی، ملی و بین‌المللی برای پیوند با بازارهای جدید (سازماندهی تشکل‌های ویژه کشاورزان برای حضور در بازارهای صادراتی پویا) در زمینه اقتصادی توانمند شوند؛

- از طریق شناساندن استعداد و توانایی‌ها، ارتقاء مهارت، تشویق به مشارکت واقعی کشاورزان و تولیدکنندگان و صادرکنندگان در تعاونی‌ها و همچنین تشویق و تقویت کار گروهی و مشارکتی، زمینه توانمندسازی اجتماعی کشاورزان فراهم گردد.

## منابع

۱. ازکیا، م. و غفاری، غ.ر. ۱۳۹۲. توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران. نشر نی.
۲. اکبرزاده، م. و سلیمانی، م. ۱۳۹۷. آسیب‌شناسی موانع توسعه بخش کشاورزی در کشورهای اسلامی. دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۱(۱): ۴۹-۶۷.
۳. اصغری لقمجانی، ص.، شهرکی، ع. و نادریان‌فر، م. ۱۳۹۴. موانع توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی



۲۰. سعیدی رضوانی، ن.، انصاری، م.ح. و توحیدلو، و. ۱۳۹۲. بررسی و ارائه راهکارهای توانمندسازی اجتماع محور با تأکید بر مشارکت مردمی در ساماندهی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی (نمونه موردی: شیراز، کرمانشاه و سنندج). نشریه هفت شهر، ۳ (۴۱-۴۲): ۲۲-۶.
۲۱. سواری، م. و اسکندری دامنه، ح. ۱۳۹۸. نقش مدیریت مشارکتی در توانمندسازی جوامع محلی در مقابله با خشکسالی در جنوب استان کرمان. برنامه ریزی و آمایش فضا، ۲۳ (۲): ۱۲۳-۱۷۱.
۲۲. شفیع‌ی ثابت، ن. و فرهادی، ف. ۱۳۹۸. تأثیرات توانمندسازی بهره‌برداران کشاورزی در توسعه روستایی شهرستان سمیرم. پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، ۱۲ (۳): ۴۹-۶۳.
۲۳. شم‌آبادی، م.ع. و بریم‌نژاد، و. ۱۳۸۶. طراحی الگوی بازاریابی محصولات کشاورزی در شبکه تعاونی‌های روستایی و کشاورزی ایران. ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران.
۲۴. کریم، م.ح.، سردار شهرکی، ع. و حسینی، م. ۱۳۹۷. موانع توسعه روستایی از دیدگاه کشاورزان شهرستان هیرمند. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۷ (۱): ۱۴۹-۱۶۶.
۲۵. کریم‌زاده، م.، پایدارمنش، ن.، و طالبزاده بردسیری، ع. ۱۳۹۲. اهمیت بخش کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست و چالش‌های پیش روی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی. دومین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: مفاهیم، مبانی و ارکان پیشرفت، اردیبهشت ماه.
۲۶. کشاورز، ع. ۱۳۹۲. پتانسیل‌ها، ظرفیت‌ها و اهم مسائل و چالش‌های بخش کشاورزی. دفتر ساماندهی کشاورزی و آب اتاق ایران، ۴ شهریور.
۲۷. قمبرعلی، ر.، آگهی، ح.، علی‌بیگی، ا.ح. و زرافشانی، ک. ۱۳۹۴. شناسایی چالش‌های بازاریابی کارآفرینان کشاورزی شهرستان کرمانشاه. پژوهش‌های روستایی، ۶ (۱): ۴۷-۶۴.
- شهرستان مشگین شهر. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، ۲۷ (۳): ۱۸۸-۱۶۹.
۱۳. حیدری ساریان، و. ۱۳۹۲. بررسی عوامل مؤثر بر توانمندسازی کشاورزان در مناطق روستایی شهرستان اهر. فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱۳ (۴۱): ۱۷۰-۱۵۵.
۱۴. حیدری ساریان، و. و رکن‌الدین افتخاری، ع.ر. ۱۳۹۵. تحلیل عوامل مؤثر بر توانمندسازی کشاورزان استان اردبیل. مجله تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۷ (۳): ۷۵۴-۷۴۳.
۱۵. رحمانی‌فضلی، ع.ر.، سجادی، ژ. و یوسفی دستجرد، ح. ۱۳۹۶. کشاورزی معیشتی و تحول ساختار اقتصادی روستاهای کوهستانی: دهستان چالدران جنوبی-شهرستان چالدران (حوضه آبریز ارس). پژوهش‌های دانش زمین، ۸ (۳۲): ۱۶۷-۱۶۰.
۱۶. رحمانی، ا. و رحمانی، م. ۱۳۹۷. ارزیابی عوامل ساختاری نهادی مؤثر بر مشارکت روستاییان در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی (نمونه موردی: روستاهای واقع در حریم کلانشهر همدان). فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۳ (۵۲): ۵۶-۳۹.
۱۷. رکن‌الدین افتخاری، ع.، پورطاهری، م.، فرج‌زاده، م.، و حیدری ساریان، و. ۱۳۸۸. نقش توانمندسازی در توسعه کشاورزی، مطالعه موردی استان اردبیل. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۶۹: ۸۷-۱۰۳.
۱۸. رضایی، پ. و قهرمانی، ن. ۱۳۹۵. اثرات پراکندگی و خرد شدن اراضی کشاورزی بر اقتصاد روستایی، مورد: دهستان کیار شرقی در استان چهارمحال و بختیاری. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، ۵ (۴): ۱۲۳-۱۴۰.
۱۹. سروستانی، م.، پروین، ا.، بقایی، ح.، کردانی، م. و بقایی، ل. ۱۳۹۱. بررسی نقش و اهمیت مشارکت جوامع روستایی در طرح‌های توسعه نواحی روستایی (مطالعه موردی: پروژه آبیاری میاناب شوشتر). همایش ملی توسعه روستایی، اشتغال و کارآفرینی، ۱۴ شهریور، دانشگاه گیلان، <https://civilica.com/doc/270277>

۳۶. هادیزاده بزار، م. و بوزرجمهری، خ. ۱۳۹۵. بررسی نقش تعاونی‌های تولید روستایی در افزایش توانمندی فنی و اقتصادی کشاورزان مناطق روستایی شهرستان نیشابور راهبردهای توسعه روستایی، ۳ (۴): ۴۵۹-۴۴۳.
۳۷. یعقوبی فرانی، ا. و معتقد، م. ۱۳۹۸. راهکارهایی برای توانمندسازی کسب و کارهای تعاونی (مورد مطالعه: تعاونی‌های طیور استان همدان). بررسی‌های بازرگانی، (۹۷)، مهر و آبان: ۹۸-۱۱۴.
38. Abraham, J.A. 2011. Measurement of social empowerment of farmers in SHGS: Evidence from India. *International NGO Journal*, 6 (12): 255-261.
39. Ahmad, U. and Inayatullah, M. 2013. Challenges to the Agricultural development in Iran. *International Journal of Innovative Research & Development*, 2(10): 85-91.
40. Al-Amin, M., Hossain, M. I., and Mathbor, G.M. 2013. Women empowerment through microcredit: Rhetoric or reality? An evidence from Bangladesh. *Multidisciplinary Journal of Gender Studies*, 2 (2), 107-126.
41. Amundsen, S. and Martinsen, Q.L. 2015. Linking empowering leadership to job satisfaction, work effort, and creativity: The role of self-leadership and psychological empowerment. *Journal of Leadership and Organizational Studies*, 22 (3): 304-323.
42. Aazami, A., Zarafshani, K., Dehghani Sanij, H., and Gorji A. 2011. Determining factors influencing the attitude of farmers toward sprinkler systems in Kermanshah province. *Journal of Water and Soil (Agricultural Sciences and Technology)*. 26 (4): 886-896.
43. Boley, B.B., Maruyama, N., and Woosnam, K.M. 2015. Measuring empowerment in an eastern context: Findings from Japan. *Tourism Management*, 50: 112-122.
44. CIS. 2003. Guidance Document No. 8. Public Participation in Relation to the Water Framework Directive. Produced
۲۸. صادقلو، ط.، مرکوبی، ف.، صداقت‌پور، م. و عباس‌زاده، س. ۱۳۹۸. شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر بر توانمندسازی کشاورزان در نواحی روستایی (مورد مطالعه: روستاهای دهستان ازغند شهرستان مه‌ولات). *جغرافیا و روابط انسانی*، ۱ (۴): ۵۲۵-۵۰۶.
۲۹. عنابستانی، ع.ا.، شایان، ح.، خسروبیگی، ر. و تقیلو، ع.ا. ۱۳۹۲. نقش مشارکت در توانمندسازی اقتصادی نواحی روستایی با تاکید بر بخش کشاورزی (مطالعه موردی: دهستان ایجرود بالا استان زنجان). *فضای جغرافیایی*، ۱۳ (۴۴): ۷۳-۹۰.
۳۰. عنابستانی، ع.ا. ۱۳۹۳. تحلیل اثرگذاری عوامل ساختاری- نهادی مؤثر بر مشارکت روستاییان در فرایند اجرای طرح‌های هادی روستایی (مطالعه روستاهای شهرستان خواف). *برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۴ (۱۳): ۴۵-۶۰.
۳۱. عنابستانی، ع.ا.، طولابی‌نژاد، م. ۱۳۹۷. بررسی موانع و چالش‌های بازریابی محصولات کشاورزی بخش مرکزی شهرستان پلدختر با استفاده از تحلیل شبکه فازی. *مجله آمایش جغرافیایی فضا*، ۸ (۳۰): ۷۸-۵۹.
۳۲. مرادی، ژ.، میرک‌زاده، ع.ا. و رستمی، ف. ۱۳۹۷. شناسایی موانع توسعه کشاورزی از دیدگاه کشاورزان دهستان قراتوره. *فصلنامه راهبردهای توسعه روستایی*، ۵ (۳): ۳۱۱-۳۲۷.
۳۳. مرید السادات، پ. و رکن‌الدین‌افتخاری، ع.ر. ۱۳۹۷. واکاوی راهبردهای توسعه پایدار کشاورزی با رویکرد کارآفرینانه (مطالعه موردی: استان خوزستان). *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، ۸ (۳۰): ۴۹-۳۱.
۳۴. مطیعی لنگرودی، ح.، ریاحی، و.، جلالیان، ح. و احمدی، ا. ۱۳۹۸. تحلیل عوامل مؤثر بر متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی از دیدگاه روستاییان (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان سقز). *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، ۵۱: ۱۹۳-۲۰۹.
۳۵. نجفی، ب.ا. و فرج‌زاده، ز. ۱۳۸۹. نقش تعاونی‌های روستایی در بازریابی محصولات کشاورزی مطالعه موردی استان فارس. *تعاون*، ۲۱ (۱): ۲۵-۱.

53. Ginige, T. and Richards, D. 2012. A Model for Enhancing Empowerment in Farmers using Mobile Based Information System. 23rd Australasian Conference on Information Systems, 3-5 Dec 2012, Geelong.
54. Hilmi, M. 2006. Economic concepts in market-oriented farming. Agromisa Foundation, Wageningen.
55. Kaldi, A. Salahshouri, P. 2012. The study of the effect of social support on women empowerment. *Journal of Social Development Studies of Iran*, 4 (4): 7-22.
56. Karl, M. 2007. Higher Agricultural Education and Opportunity in Rural Development for Women. The Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO), Rome, Italy: 7-11.
57. Khan, S. 2012. Topic guide on empowerment and accountability. Birmingham, UK: Governance and Social Development Resources Center, University of Birmingham.
58. Kukenberger, M. R. Mathieu, J. E., and Ruddy, T. 2015. A cross-level test of empowerment and process influences on members' informal learning and team commitment. *Journal of Management*, 41(3): 987- 1016.
59. Hassan, S. Wright, B. E., and Yukl, G. 2014. Does ethical leadership matter in government? Effects on organizational commitment, absenteeism, and willingness to report ethical problems. *Public Administration Review*, 74(3): 333-343.
60. Hassan, S. Wright, B. E., and Park, J. 2016. The role of employee task performance and learning effort in determining empowering managerial practices: Evidence from a public agency. *Review of Public Personnel Administration*, 36 (1): 57-79.
61. Hatirli, S.A., Ozkan, B. and Fert, K. 2005. An econometric analysis of energy input/output in Turkish agriculture, *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 9: 608-623.
62. Ivens, J. 2010. Does increased water access empower woman? *Development*, 51(1): 63-67.
- by Working Group 2.9, Public Participation.
45. Chowdhury, S. A. 2004. Participation in forestry: A study of peoples participation on the policy in bangladesh: Myth or reality. M.A. Thesis. University of Bergen.
46. Demartini, E. Gaviglio, A., and Bertoni, D. 2015. Integrating agricultural sustainability into policy planning: A geo-referenced framework based on Rough Set theory. *Environmental Science and Policy*, 54: 226-239.
47. Drolet, J. 2010. Women, micro credit and empowerment in Cairo, Egypt. *International Social Work*, 54 (5): 629-645.
48. Dust, S.B., Resick, C.J., Margolis, J.A., Mawritz, M.B. and Greenbaum, R.L. 2018. Ethical leadership and employee success: Examining the roles of psychological empowerment and emotional exhaustion. *The Leadership Quarterly*, 29 (5): 570-583.
49. Eyben, R., Kabeer, N., and Cornwall, A. 2008. Conceptualising empowerment and the implications for pro poor growth: A paper for the DAC poverty network. Brighton, UK: Institute of Development Studies, the University of Sussex.
50. Evans, E.N. 2010. Liberation Theology, Empowerment Theory and Social Work Practice with the Oppressed. *International Social Work*, pp: 234-235.
51. Fielding, L. M., Ellis, L., Beveridge, C. and Peters, A. C. 2005. An evaluation of HACCP implementation status in UK small and medium enterprises in food manufacturing. *International Journal of Environmental Health Research*, 15: 117-126.
52. Friis- Hansen, E. 2005. Agricultural development among poor farmers in Soroti district, Uganda: Impact assessment of agricultural technology, farmer empowerment and changes in opportunity structures. Danish Institute for International Studies, Paper presented at Impact Assessment Workshop at CYMMYT, Mexico, 19-21 October, pp1-10.

- economic development in Nigeria. *Gender and Behaviour*, 8(2): 3048-3067.
72. Ozerol, G., Newig, J. 2008. Evaluating the Success of Public Participation in Water Resources Management: Five Key Components. *Journal of Water Policy*, 10: 639-65.
73. Raj Bista, P. 2018. Empowerment of farmers through agricultural extension: A case study of farmer groups in Khairahani, Chitwan, Nepal. A thesis presented in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy (PhD) in Agricultural Extension and Rural Development at Massey University, Palmerston North, New Zealand.
74. Rivera, W.M. 2006. Developing Agricultural Extension system nationwide. *Journal of extension system*, 21: 29-30.
75. Sharma, R. and Sahoo, C.K. 2014. Education, empowerment and communication (EEC) as drivers of managing change. *Management and Labour Studies*, 39(2): 174-186.
76. Stacki, S.L. and Monkman, K. 2003. Change through empowerment processes: Women's stories from South Asia and Latin America. *Compare: A Journal of Comparative and International Education*, 33(2): 173-189.
77. Stefano, L. 2010. Facing the Water Framework Directive Challenges: A Baseline of Stakeholder Participation in the European Union. *Journal of Environmental Management*, 91: 1332-1340.
78. Strzelecka, M., Boley, B.B., and Woosnam, K.M. 2017. Place attachment and empowerment: Do residents need to be attached to be empowered? *Annals of Tourism Research*, 66: 61-73.
79. Swinnen, J.F.M., and Maertens, M. 2007. Globalization, agri-food standards and development. *Rivista Di Economia Agraria/ a. Lxll, n. 413-427*. Retrieved from [http://www.inea.it/public/pdf\\_articoli/](http://www.inea.it/public/pdf_articoli/).
80. Wallertein, N. 2005. Empowerment and health: the theory and practice of community development change in rural
63. Maathai, W. 2012. Policy guidance note: The role of empowerment for poverty reduction and growth. In OECD (Ed.), *Poverty reduction and pro-poor growth: The role of empowerment* (pp. 19-48): OECD Publishing.
64. Makal, A., Banerjee, A., Roy, A., Hazra, S. and Polley, K. 2017. *Issues and Problems in Agricultural Development: A Study on the Farmers of West Bengal*. Bhui, S., Das, M. S. and Coomar, P.C. Development among the Tribal and Minority Societies. Publisher: Gyan Publishing House: New Delhi. P. 292.
65. Maier, C., Lindner, T., and Winkel, G. 2014. Stakeholders' perceptions of participation in forest policy: A case study from Baden-Württemberg. *Land Use Policy*. 39: 166-176.
66. Maurel, P., Craps, M., Cernesson, F., Raymond, R., Valkering, P., and Ferrand, N. 2007. Concepts and methods for analysing the role of information and communication tools (IC-tools) in social learning Processes for river Basin management. *Environmental Modelling and Software*, 22 (5), 630-639.
67. Nsikak- Abasi, A.E. and Kesit, K.N. 2015. Barriers to increasing agricultural production in Nigeria. *American Journal of Agricultural Science*, 2 (4): 138-143.
68. Organization for Economic Cooperation and Development. 2009. *Agricultural policies in OECD countries 2009: monitoring and evaluation*. Paris: OECD.
69. Olawepo, R.A. 2012. *Commercial Agriculture and Rural Development: Evidence from the Zimbabwe Farm Project in Tsonga, Nigeria*. *Asian Journal of Agriculture and Rural Development*, 2 (1): 27-38.
70. Omiti, J., Otieno, D., McCulloch, E., Nyanamba, T. 2007. Strategies to Promote Market-Oriented Smallholder Agriculture in Developing Countries: A Case of Kenya. *AAAE Conference Proceedings (2007)* 259-264.
71. Onyishi, I.E., and Agbo, A.A. 2010. Psychological empowerment and development of entrepreneurship among women: Implications for sustainable

- from Kenya and Burkina Faso. Published by: Zentrum für Entwicklungsforschung (ZEF), Center for Development Research, Genscherallee 3, D-53113 Bonn, Germany.
83. Zinnah, M. M. 2002. Linking research, extension and farmers: The case of mangrove swamp rice cultivation in Sierra Leone. *Journal of Agricultural Education*, 35 (2): 50-54.
- regions. *Community Development Journal*, 2(10): 15-32.
81. World Bank. 2005. Rural women's development and empowerment project, India. Staff Appraisal Report 16031- IN. South Asia Environment and Social Unit, World Bank, Washington, DC.
82. Wortmann-Kolundzija, E. 2019. Empowering Smallholder Farmers through Farmer Organizations, Insights



Gorgan University of Agricultural  
Sciences and Natural Resources

*Journal of Entrepreneurship in Agriculture* Vol. 6(3), 2019

<http://jead.gau.ac.ir>

DOI: 10.22069/jead.2021.18585.1434

## **Empowering farmers to transition from subsistence to market-oriented agriculture**

**M. Mousavi<sup>1</sup>, S. Mohammadzadeh<sup>2\*</sup>**

<sup>1</sup>PhD. student, Faculty of Agricultural Engineering and Rural, University of Agricultural Sciences and Natural Resources Khuzestan

<sup>2</sup>Assistant Professor, Department of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural Engineering and Rural, University of Agricultural Sciences and Natural Resources Khuzestan

Received: 20/02/2021; Accepted: 21/02/2021

### **Abstract**

Traditional agriculture not only does not meet the living needs of farmers, but no longer meet the growing population and increasing demand for food products. For this reason, planning for agricultural development and food security is necessary. Hence, one of the main strategies is agricultural development through transition from traditional to market-oriented agriculture. Therefore, the aim of this research is to investigate the strategies for empowering farmers in order to change the traditional agricultural approach to market-oriented one. The present study by reviewing the related literature aimed to provide a comprehensive review about the problems of traditional agriculture (subsistence), concept of market-oriented agriculture, and strategies of empowering farmers for transition to a market-oriented agriculture. The literature review showed that empowerment of human resources, improvement of the quality of products and establishment of specialized agricultural business institutions are the most important prerequisites for achieving agricultural development through market-oriented agriculture strategy. In addition, empowering farmers and raising their knowledge and skills will help to reduce rural poverty and deprivation, promote rural entrepreneurship and well-being, and achieve social justice and economic development. Therefore, it was suggested to build the capacity of farmers to take advantages of economic opportunities by providing the necessary training opportunities. In addition, participation of farmers through agricultural organizations, not only will create new employment opportunities and increase farmers' income, but will led to the development of market-oriented agriculture.

**Keywords:** Empowerment, Traditional agriculture, Agricultural commercialization.<sup>1</sup>

---

\*Corresponding author; s.muhammad@asnrukh.ac.ir